

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری
المان - ۲۶ جون ۲۰۱۱

مست استغناء

به اقتفاء از غزل واصف باختری که مطلعش اینست:

ز شهر فجر پیام آوری ظهور نکرد
چریک نور ز مرز افق عبور نکرد

گمان میر بدلم خاطرت خطور نکرد	دو دیده چار شد و مَوکبت عبور نکرد
به آسمان محبت به رَغَم دلشدگان	ستاره ای که بتابد، دمی ظهور نکرد
غَم نهانی دل را به نامه بنوشتم	ز فرط عُجب به غمنامه ام مرور نکرد
جوانه کرد چنان ریشه غمش در دل	زبان شعله سرکش که در تنور نکرد
دلش بسوخت که چون سایه خاکسار شدم	وگر نه هیچ در آزار من قصور نکرد
سرم به جیب تفکر چه سان فرونبرم	اشارتی به من دلشده ز دور نکرد

دل رمیده من مست جام استغناست

سری به پیش کسانی خم از غرور نکرد